

## اعتدال در انفاق و مصرف



حجه الاسلام والمسلمین محمد محمدی اشتهاردی  
قرآن پیرامون یکی از ویژگی های ممتاز بندگان خالص خداوند رحمن چنین می فرماید: «والذین اذا انفقوا لم یسرفوا ولم یقتروا وکان بین ذلک قواما» آنان کسانی هستند که هرگاه انفاق کنند، نه اسراف کنند و نه سخت گیری، بلکه در میان این دو، اعتدال می ورزند.»

این آیه بیانگر یکی از مهمترین مسایل زندگی است که رعایت آن موجب آسایش و آرامش فرد و جامعه شده و باعث گشودن گره های مشکلات و برطرف کردن بسیاری از نابسامانی های اجتماعی و اقتصادی می گردد. و می توان آن را به عنوان معجزه زندگی خوشبختانه یاد کرد، و آن مساله اعتدال در انفاق و مصرف است. اعتدال یعنی میانه روی و حداقل بین افراط و تفریط، که چنین کاری از نظر اسلام در همه چیز، محبوب و مطلوب است، قرآن مسلمانان را به خاطر پیروی از اسلام، به عنوان «امت وسط» یعنی امت معتدل خوانده و می فرماید: «و كذلك جعلناکم امة وسطا» این گونه شما را امت میانه قرار دادیم. امیرمومنان علی (ع) آنان را که از راه اعتدال به سوی افراط یا تفریط کشانده می شوند، جاهل خوانده می فرماید: «لاتری الجاهل الامفرطا او مفرطا» همیشه جاهل را نمی نگریم جز این که یا زیاده روی می کند، و یا کم می آورد.

در آیه مورد بحث که بیانگر پنجمین نشانه بندگان ممتاز خداست، از یکی از شاخه های مهم اعتدالی، که مربوط به امور اقتصادی و زندگی اجتماعی است، سخن به میان آورده که نقش مهمی در اصلاح زندگی و سامان یافتن شوون اجتماعی و خانوادگی دارد، و آن رعایت اعتدال در مصرف است، یعنی انسان مسلمان، در انفاق و مصرف، نه اسراف می کند و نه سخت گیری، بلکه راه میانه بین این دو را برمیگزیند.

نکوهش اسراف در اسلام

اسراف به معنی هرگونه زیاده روی و تجاوز از حد اعتدال در هر چیزی است که انسان آن را بجا می آورد، مثلا برای يك وعده غذا وسیر شدن، معادل 600 گرم غذا کافی است، اینك اگر کسی برای خود، يك كيلو غذا درست کند، و 800 گرم آن را بخورد، و بقیه بماند و آن را دور بریزد، چنین کسی در يك وعده غذا دوگونه اسراف نموده، نخست این که 200 گرم بیشتر خورده، دوم این که 200 گرم دیگر راکه بیشتر درست کرده به دور ریخته است، به این ترتیب در يك وعده غذا 400 گرم غذا بیهوده مصرف شده است. با توجه به این مثال، و جریان دادن آن در جهات و ابعاد مختلف زندگی، به روشنی می فهمیم که در جامعه ما چقدر اسراف در چهره های گوناگون وجود دارد.

اسراف مصادیق مختلف دارد، یکی از شاخه های آن که در آیه مورد بحث از آن نهی شده اسراف در مصرف است، مانند: اسراف در خوردن و آشامیدن، اسراف در به دور ریختن غذاهای اضافی، اسراف در صرف هزینه های گزاف در امور تجملی و تزیینی و تشریفات بی محتوا و...

حتی اگر در عبادت زیاده روی شود مثلا در وضو یا غسل، آب بیش از حد عقلی و طبیعی مصرف گردد، اسراف است، بر همین اساس پیامبر (ص) فرمود: «فی الوضوء اسراف، و فی کل شیء اسراف» در وضو و در هر چیزی می تواند اسراف راه یابد.

شخصی به نام عباسی به محضر امام رضا (ع) مشرف شد و پیرامون شیوه صحیح مصرف در خانه نسبت به هزینه زندگی همسر و فرزند و سایر شوون سؤال کرد، حضرت رضا (ع) در پاسخ فرمود: «باید مصرف توبه گونه ای باشد که بین دو کار ناپسند (اسراف و سخت گیری) قرار گیرد.»

عباسی پرسید: منظورتان از این سخن چیست؟ فرمود: آیا سخن خدادر قرآن را نشنیده ای که اسراف و سخت گیری را ناپسند می شمرد و (دروصف بندگان ممتاز خداوند) می فرماید «والذین اذا انفقوا...»

بنندگان خدای رحمان کسانی هستند که هرگاه انفاق کنند، نه اسراف کنند و نه سخت گیری، بلکه میان این دو (حد اعتدال) را می گیرند» بنابراین در مورد معاش و هزینه زندگی اعضای خانواده، در خرید و مصارف، میانه رو باش.

مطابق روایت دیگر، يك روز امام صادق (ع) در نزد شاگردان، همین آیه (67 فرقان) را تلاوت فرمود، آنگاه مشتکی سنگریزه از زمین برداشت و محکم در دست گرفت و فرمود: این همان بخل و سخت گیری است (که در آیه از آن نهی شده است) سپس مشت دیگری برداشت و چنان دست خود را گشود که همه آن بر روی زمین ریخت و فرمود: این همان اسراف است، بار سوم مشت دیگری برداشت و کمی دست خود را گشود، به گونه ای که مقداری فرو ریخت، و مقداری در دستش باقی ماند و فرمود: «این همان اعتدال بین سخت گیری و اسراف است.»

در قرآن در آیات متعدد از اسراف در مصرف و انفاق نهی شده است به عنوان نمونه نظر شما را به چند آیه جلب می کنیم:

1 «کلوا واشربوا و لا تسرفوا» و بخورید و بیاشامید ولی اسراف نکنید.

2 «و اتوا حقه یوم حصاده و لا تسرفوا» هنگام درو، حق زکات (غلات و...) را بپردازید، ولی (در انفاق) اسراف نکنید.

3 روایت شده فقیری به محضر پیامبر (ص) آمد و تقاضا کرد که آن حضرت پیراهنش را به او ببخشد. پیامبر (ص) پیراهنش را از تن خود بیرون آورد و به او داد، و چون پوشش دیگر نداشت، در خانه به طور عریان نشست و حتی برای نماز ماعت بیرون نرفت، کافران درعیاب، آن حضرت را سرزنش کردند و به او چنین تهمت زدند که خواب و لهو، آن حضرت را از نماز بازداشته است. در این هنگام این آیه نازل شد: «ولا تجعل یدک مغلوله الی عنقک و لا تبسطها کلی البسط فتعقد ملوما محسورا» هرگز دست را برگردت زنجیر نکن (بخل نوز) و بیش از حد (اعتدال نیز) دست خود را مگشای تا مورد سرزنش قرار گیری و از کار فرومانی.

بر اساس همین آیات و دستوره های الهی، پیامبر (ص) فرمود: «ما من نفقه احب الی الله من نفقه قصد، و بیغض الاسراف» هیچ انفاقی در پیشگاه خدا محبوب تر از انفاق

معتدلا نه نیست، خداوند اسراف در انفاق را دشمن دارد.

نیز بر همین اساس پیامبر (ص) و امیرمومنان علی (ع) و سایر امامان (ع) بسیار ساده می‌زیستند، و از هرگونه تجمل‌گرایی و تشریفات پرهیز جدی می‌نمودند.

امیرمومنان علی (ع) برای کارگزاران خود چنین نامه می‌نوشت:

«أدقوا أقلامكم، و قاربوا بين سطوركم، و احذقوا عن فضولكم، و اقصوا المعاني، و اياكم والاكتار، فان اموال المسلمين لا تحمل الضرر» سر قلم‌ها را نازک‌تر کنید، و بین سطرها را نزدیک‌تر نمایید، و از استخدام واژه‌های زاید بپرهیزید، و معانی را هدف‌قرار دهید، و از پرچانگی و زیاده‌روی دوری نمایید، زیرا نیاید ثروت مسلمانان آسیب برسد. نیز فرمود: «آگاه باشید؛ بخشیدن مال در جای ناروا، بریز و پاش و بیهوده نمودن آن است، این گونه بخشش، بخشنده را در دنیا بالا می‌برد، ولی در روز رستاخیز به پایین می‌کشاند، و در پیش‌مردم او را محترم می‌کند، ولی در پیش خدا خوار می‌گرداند، هرکس مال خود را در جای نادرست و نزد ناشایستگان گذاشت، خداوند شکر آن مال را به او حرام می‌نماید.»

«من انفق شيئا في غير طاعة الله فهو مبذر» کسی که چیزی از مال خود را در راه غیر خدا مصرف کند، چنین کسی اسراف کار است.

یاسر خادم می‌گوید: روزی غلامان امام رضا (ع) میوه می‌خوردند، ولی هنوز آن را به طور کامل نخورده، به گوشه‌ای می‌انداختند، آن حضرت این کار اسراف کارانه آنها را دید و خشمگینانه به آنها فرمود:

«سبحان الله! اگر شما به این میوه‌ها نیاز ندارید، انسان‌هایی هستند که نیاز دارند، چرا دور می‌ریزید؟ آنها را نگه دارید و به نیازمندان بدهید.»

و امام صادق (ع) در ضمن نهی از دور افکندن هسته خرما، و نکوهش اسراف کاران فرمود: «حتی ته مانده آب ظرفی را به دور نریزید که اسراف است.»

پرهیز شدید امام خمینی از اسراف در مصرف

حضرت امام خمینی قدس سره، که در عمل به دستورهای اسلام، بسیار جدی و نمونه بودند، در مورد اسراف در همه ابعادش و به ویژه در مصرف، حساسیت مخصوصی داشتند، به عنوان نمونه نظر شما را به سه مورد زیر جلب می‌کنم:

1 یکی از مسوولین دفتر امام خمینی قدس سره می‌نویسد: يك بار مسوول امور مالی، پشت يك پاکت چیزی نوشت و به امام داد، امام در يك کاغذ کوچک جواب آن را داد و در زیر آن چنین نوشت: شما در این قطعه کوچک نیز می‌توانستید بنویسید.»

از این رو آن برادر کاغذهای خورده‌ها را جمع و جور می‌کرد و در کیسه‌ای می‌گذاشت، و هنگامی که می‌خواست، برای امام چیزی بنویسد، روی آن کاغذ پاره‌ها می‌نوشت، امام هم زیرش جواب می‌نوشتند.

2 سرکار خانم زهرا مصطفوی (دختر امام) از خاطرات دوران کودکی خود، چنین می‌گوید:

درس امام در ساعت یازده و نیم تمام می‌شد، ایشان در این هنگام بیست دقیقه با ما (که کودک بودیم) بازی می‌کرد، سپس ده دقیقه به ظهر، برای انجام مقدمات نماز حاضر می‌شد، امام با خرید اسباب‌بازی خیلی مخالف بودند و می‌گفتند: این پول باطلی است، باوسایلی مانند گل، تیله درست می‌کردیم، بعد می‌چیدیم و می‌گفتم هرکس به این تیله‌ها بزند برنده است، بازی بیست دقیقه ما این گونه ساده بود...

3 یکی از اعضاء دفتر امام خمینی قدس سره نقل کرد: يك روز بر طبق وظیفه‌ای که هر ماه بر عهده داشتیم، در پایان ماه صورت‌مخارج ماهیانه را (در جماران) به خدمت امام فرستادیم، و در ضمن آن مخارج خانه امام از مهمانی‌ها، رفت و آمدهای امام، پول برق‌خانه را نوشته بودیم، هنگامی که صورت مخارج را نزد امام می‌فرستادیم، پس از نیم ساعت حاج احمد آقا (فرزند امام) تلفن زد و گفت: از وقتی که صورت حساب داده‌اید، امام مرتب در لب باغچه قدم می‌زند و سخت ناراحت است، زیرا مخارج خانه امام در این ماه از ده هزار تومان (آن عصر) تجاوز کرده است لذا امام می‌فرماید:

«اگر خرج خانه من از ده هزار تومان تجاوز کند، من اصلا از این جا می‌روم.»

حاج احمد آقا به من گفت: شما ببینید که خرج اضافی در این ماه چه بوده است. تا به آقا بگویم و خیال امام راحت شود.

ما پس از جستجو در دفاتر، سه قلم خرج اضافه آن ماه را یافتیم که ابتدا مربوط به خانه امام نبوده است، مثلا:

1 گازوئیلی که از خانه امام زیاد آمده بود ما گفتیم که آنرا در انبار حسینی جماران بریزند.

2 به ماشینی که خانواده حضرت امام را می‌برد، و بر اثر بی‌توجهی راننده خسارتی به آن وارد شده بود، و هزینه‌ای پیدانموده بود.

3 ملامین برزنتی برای خانه حضرت امام، تهیه شده بود تا داخل منزل ایشان از بالای پشت‌بام دیده نشود، زیرا پاسداران در آنجا پاس می‌دادند.

صورت این چند قلم اضافه خرج را خدمت امام فرستادیم، و در نتیجه ایشان احساس آرامش کرده و آسوده خاطر شدند. از همین يك نمونه می‌توان شدت پرهیز امام از اسراف و زیاده‌روی در مخارج‌خانه را به دست آورد.

دوری از تقییر و سخت‌گیری

اعتدال در مصرف که یکی از ویژگی‌های بندگان ممتاز الهی است، که در میانه دو چهره قرار گرفته است، نخست جنبه افراطی آن است که از آن به اسراف و تبذیر یاد می‌شود که بیان گردید، دوم جنبه تقریبی آن است که چهره تقریب اعتدال در مصرف است که از آن به تقییر یا سخت‌گیری و زندگی رنج‌آور تعبیر می‌گردد، اسلام دین سمحه و سهله است، هرگز حاضر نیست که مسلمانان در سختی و رنج اقتصادی زندگی کنند، باید با کار و کوشش و سرپنجه تدبیر، شکل زندگی رابه شیوه‌ای تبدیل کرد که موجب وسعت در زندگی و آسایش گردد.

پیامبر اکرم (ص) همان گونه که از اسراف جلوگیری می‌کرد، به موازات آن از افتار و سخت‌گیری در زندگی، نهی می‌نمود. رسول اکرم (ص) فرمود: «ان من سعاده

المرء المسلم ان يشبهه ولده، والمرء الجملاء ذات دین، والمرکب الهنی والمسکن الواسع.»

از سعادت و خوشبختی انسان مسلمان آن است که دارای فرزندی که در نیکی، شبیه به خود بوده و نیز دارای همسر زیبا و دیندار، و مرکب راهوار و خانه وسیع باشد. در ماجرای ابولبابه که به خاطر کشف يك راز نظامی حکومت اسلامی در نزد یهودیان، به گناه خود پی برد و توبه حقیقی کرد و پس از مدتی آیه 102 سوره توبه در پذیرش توبه او از جانب خداوند نازل شد، پیامبر (ص) با تلاوت آن آیه، به او بشارت داد. ابولبابه به پیامبر (ص) عرض کرد: اجازه بده به شکرانه قبول شدن توبه‌ام، نصف اموال را انفاق کنم، پیامبر (ص) اجازه نداد، او عرض کرد: اجازه بده يك سوم آن را انفاق کنم، پیامبر (ص) اجازه داد.

این که پیامبر (ص) اجازه انفاق نصف اموالش را نداد، بر این اساس بود که او و خانواده‌اش گرفتار سختی و تنگنا در معیشت نگردند.

در روایت دیگر آمده: یکی از مسلمانان مدینه دارای چند کودک بود، و شش غلام داشت، در بستر مرگ قرار گرفت، قبل از مرگ خود به خاطر جلب پادشاهی الهی، شش غلامش را آزاد نمود. پس از آن که از دنیا رفت، مسلمانان پس از غسل و تکفین، او را به خاک سپردند، سپس ماجرای او را در مورد آزادسازی غلامان، و فقر فرزندانش به آن حضرت خبر دادند، پیامبر (ص) فرمود: «لو علمت ما دفنته مع اهل الاسلام، ترك ولده يتكفون الناس؛ اگر من اطلاع می‌یافتم نمی‌گذاشتم جنازه او را در قبرستان مسلمانان

دفن کنید، زیرا او کودکان خود را از ثروتش بی‌نصیب نمود، و آنان را فقیر و بی‌پناه گذاشت، تادست‌گذاری به سوی مردم دراز کنند.»

این ماجرا در عین آن که بیانگر نکوهش اسراف در انفاق است، نیز حاکی از آن است که نباید موجب سختی و فشار در زندگی اعضاء خانواده شود. بلکه باید اعتدال در مصرف را با توجه به همه‌جوانب رعایت نمود.

ماجرای انتقاد شدید حضرت علی(ع) در شهر بصره از یکی از شیعیان به نام «عاصم» که از جامعه دوری نموده و گرفتار افتار و سخت‌گیری به خود و خانواده‌اش شده بود نیز شاهد گویایی بر نکوهش سخت‌گیری در شوون اقتصادی و معیشت زندگی است، و مسلمانان باید از هرگونه افراط و تفریط اجتناب نمایند.

این بحث را با ذکر ماجرای جالب زیر به پایان می‌بریم:

امام کاظم(ع) خانه‌ای برای غلام آزاد شده خود خریداری کرد، به او فرمود: «به آن خانه برو و در آنجا زندگی کن، زیرا خانه نوتنگ و کوچک است.»

غلام گفت: «همین خانه‌ای که در آن سکونت دارم کافی و خوب است، گرچه تنگ و محقر است، ولی از پدرم به یادگار مانده، از این رودر همین خانه می‌مانم.» امام کاظم(ع) به او فرمود: «ان کان ابوک احمق ینبغی ان تکون مثله» آیا اگر پدرت احمق بود، تو هم می‌خواهی مثل او باشی؟

پاسدار اسلام - شماره 223